

اطلاعات عمومی قزاقستان

قزاقستان (به قزاقی: Қазақстан، به روسی: Казахстан) کشوری است در آسیای میانه. پایتخت این کشور در سال ۱۹۹۸ از آلماتی در جنوب که بزرگ‌ترین شهر کشور است به نورسلطان در شمال منتقل شد.

جمعیت قزاقستان ۱۸'۴۴۸'۰۰۰ نفر، زبان‌های رسمی آن قزاقی و روسی و واحد پول آن تنگه است. قزاقستان بزرگ‌ترین کشور محصور در خشکی در دنیا است و تراکم جمعیتی کمی دارد. حدود ۷۰ درصد از مردم این کشور مسلمان هستند.

نور سلطان، پایتخت کنونی قزاقستان شهری است بسیار سرد و بادخیز که دمای هوا در زمستان در آن به منفی ۴۰ درجه می‌رسد. گروه‌هایی از ملی‌گرایان روس در روسیه و داخل قزاقستان دعوی الحاق مجدد شمال قزاقستان به روسیه را داشتند و این یکی از انگیزه‌های رئیس‌جمهوری قزاقستان برای انتقال پایتخت به شهری در مرکز کشور و نزدیک به روسیه بود و این امر باعث شد که شمار زیادی از قزاق‌ها به این شهر منتقل شوند و این دعوی به خودی خود خاموش شود.

پایگاه فضایی بایکونور در کشور قزاقستان قرار دارد و قدیمی‌ترین پایگاه فضایی جهان است. یوری گاگارین نخستین انسان فضاورد از این پایگاه به فضا سفر کرد. این پایگاه در دوران شوروی سابق و به خاطر موقعیت جغرافیایی مناسب در جمهوری قزاقستان ساخته شد. پس از فروپاشی شوروی، کشور روسیه این پایگاه را تا سال ۲۰۵۰ از قزاقستان اجاره کرده است.

ساکنان اصلی آسیای مرکزی از مردم ایرانی‌تبار سکا بودند. مردمان ترک‌تبار از سده پنجم به این‌سو آغاز به نفوذ و کوچ در منطقه کردند.

هون‌ها در اوایل سده هشتم قبل از میلاد به این منطقه آمدند و در سال‌های بعدی ترکان قباچاق که از کوهستان‌های آلتای آمده بودند در حوالی دریاچه آرال و دشت قباچاق ساکن شدند. قزاق‌ها شعبه‌ای از ترکان قباچاق هستند. در سده سیزدهم، این

منطقه توسط امپراتوری چنگیزخان مغول تصرف شد. پس از مرگ او، این امپراتوری بین فرزندان او قسمت شد و قزاقستان کنونی به جغتای، پسر چنگیزخان رسید؛ ولی قسمت غربی و بیشتر قسمت‌های شمالی به گنقیز نوه چنگیزخان رسید. به دلیل حکومت طولانی مغول‌ها بر این منطقه عناصر مغولی در این منطقه نفوذ کرده است.

واژه ی قزاقستان از دو بخش قزاق و پسوند فارسی ستان تشکیل شده است ، که به معنای «سرزمین قزاق‌ها» است. واژه قزاق نیز خود به معنی «کوچنده» و از ریشه ترکی «قَر» است که معنای کوچیدن می‌دهد و به زندگی کوچ‌نشینی قزاق‌ها اشاره دارد.

پس از انقلاب اکتبر و تشکیل اتحاد جماهیر شوروی ، قزاقستان با عنوان جمهوری سوسیالیستی قزاقستان شوروی به یکی از جمهوری های آن تبدیل شد. با فروپاشی شوروی ، قزاقستان به استقلال دست یافت.

قزاقستان در تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۹۱ آخرین جمهوری شوروی بود که اعلام استقلال کرد.

پایتخت

آلماتی

آلماتی واژه‌ای ترکی به معنی «سیب‌دار» است. طبق ادعایی دیگر ریشه این نام سکایی و ایرانی بوده است. وقتی نام‌های شهر یعنی آلمآتا و ورنی و نام کوه آن یعنی آلاتائو را در رابطه با هم مورد و در رابطه با هم مورد بررسی قرار دهیم می‌بینیم که بخش تائو یا تی (به معنی کوه) است و در زبان سکایی و سانسکریت به معنی کوه است.

بخش آلا هم در نام این کوه نشان دهنده کلمه فارسی و سکایی آله (عقاب) یعنی پرنده سنتی شکاری صحراگردان این نواحی است؛ بنابراین نام آلمآتا در اصل به زبان سکایی-ایرانی، آله آتاو یعنی کوه عقاب بوده است که به صورت آلمآتا درآمده است. حرف «و» در گروه زبان‌های ایرانی (از جمله سغدی و خوارزمی) قابل تبدیل به «م»

بوده است چنان که پسوند «وند» به صورت «مند» هم بیان می‌گردد. حتی اسم روسی کهن این شهر یعنی وارنی هم در گروه زبان‌های ایرانی تلفظ کلمه وارغنی ایرانی (عقاب؛ اوریلو روسی که به صورت اورال نام کوهستان معروف بین شمال آسیا و اروپا است) در لهجه‌های زبان ترکی بوده است که در آن‌ها حرف «غ» در میان کلمه به صورت «ع» یا «ء» (که در ترکیه آن را «غ» نرم نامیده‌اند) ادا می‌گردد. معنی ظاهری ترکی این کوه یعنی پدر سیب مناسبی با این شهر سردسیری و استپی شمالی ندارد.

نورسلطان

شهر نورسلطان پیش از این آستانه، آق‌مولا، تسلینوگراد و آق‌مالینسک نام داشت (آق‌مولا به معنی «مزار سفید» است. این نام‌گذاری به خاطر مدفون بودن یکی از محترمان مذهبی در این مکان صورت گرفته بود و نام آستانه نیز اشاره به همین مزار دارد).

ششم ژوئن ۱۹۹۶ میلادی، نورسلطان نظربایف، رئیس‌جمهوری قزاقستان در حالی فرمان انتقال پایتخت را از آلماتی به آستانه (که بعدها به نورسلطان تغییر نام یافت) صادر کرد که بسیاری از کارشناسان و مقامات دولتی آن را غیرعملی و ناممکن می‌دانستند. کمبود اعتبار مالی، هوای سرد و بادهای شدید نورسلطان از سبب‌های عمده این عدم اطمینان بود. رئیس‌جمهوری قزاقستان، قرار گرفتن آلماتی در منطقه زلزله خیز و نبود زمینه‌های جغرافیایی برای رشد مرکز کشور را از دلایل انتقال پایتخت از آلماتی توصیف کرده و گفته بود با انتقال پایتخت به آستانه، مرکز کشور توسعه خواهد یافت. گروه‌هایی از ملی‌گرایان روس در روسیه و داخل قزاقستان نیز خواهان پیوستن دوباره شمال قزاقستان به روسیه بودند، که انتقال پایتخت به شهری در مرکز کشور و نزدیک به روسیه، باعث شد که بسیاری از قزاق‌ها به این شهر منتقل شوند و این خواسته عملی نشود. برخی از روشنفکران قزاق علت پایه‌ای انتقال پایتخت را این‌گونه عنوان کرده‌اند که نورسلطان نظربایف می‌خواهد در تاریخ قزاقستان نقش پترزبورگ در روسیه را داشته باشد.

همچنان که پتر بزرگ با بنیاد سن پترزبورگ نام خود را جاودانی کرد، نظربایف هم

می‌خواهد با ساخت پایتخت جدید، نام خود را جاودانی کند. در آغاز پیشنهادهایی شده بود که پایتخت جدید را «نورسلطان» نامگذاری کنند، ولی نظربایف نام «آستانه» را برای آن برگزید. نظربایف تأکید کرده بود که نورسلطان پایتخت اور آسیا است و به این دلیل در معماری آن دو سبک شرقی و غربی با هم آمیخته است.

افزایش قیمت نفت در بازار جهانی، به قزاقستان امکان داد تا با فراخوانی از بهترین معماران جهان، شهر نورسلطان را نوساز کند. در طی ۱۰ سال، جمعیت نورسلطان از حدود ۳۰۰ هزار نفر به حدود ۷۰۰ هزار نفر افزایش پیدا کرد. ساختمان‌سازی در پایتخت جدید قزاقستان با سرعت ادامه دارد، صدها شرکت داخلی و خارجی، ده‌ها هزار کارگر قزاق، ترک، ازبک، روس، تاجیک، قرقیز و چینی در ساخت بیش از ۶۵۰ مجموعه مسکونی، اداری و تفریحی در این شهر مشغول هستند. یکی از نارسایی‌های نورسلطان آب و هوای نامساعد آن به ویژه بادهایی است که تقریباً همه‌روزه می‌وزد. با هدف جلوگیری از این بادهای، در چند سال قبل درختکاری در ۴۰ هزار هکتار از اطراف شهر آغاز شده است.

جغرافیا

قزاقستان از شمال با روسیه، از شرق با چین، در جنوب شرقی با قرقیزستان، در جنوب با ازبکستان و در جنوب غربی با ترکمنستان همسایه است. سواحل شمال شرقی دریای خزر در خاک این کشور قرار دارد.

وسعت قزاقستان ۲'۷۲۴،۹۰۰ کیلومتر مربع (بیش از سه برابر ترکیه یا پاکستان و کوچکتر از آرژانتین است و حدود ۲۰٪ آن در سوی کوه‌های اورال قرار گرفته و به لحاظ جغرافیایی بخشی از آن در اروپا است.

البته قزاقستان معمولاً یک کشور آسیایی طبقه‌بندی می‌شود.

قزاقستان بزرگ‌ترین کشور خشکی بست (محصور در خشکی) دنیا است. قزاقستان به بزرگی اروپای غربی است و از دریای خزر در غرب تا کوه‌های آلتای در شرق ادامه می‌یابد. مرزهای شمالی قزاقستان در دشت‌های سیبری غربی و مرزهای جنوبی آن در بیابان‌های آسیای میانه قرار دارند.

با وجود وسعت زیادی که این کشور را نهمین کشور بزرگ دنیا کرده ، بیشتر پهنه‌هایش کویر و استپ است و تراکم جمعیت آن تنها ۶ نفر در هر کیلومترمربع است.

دشت قزاق با مساحت ۸۰۴'۵۰۰ کیلومترمربع یک‌سوم کشور را دربرمی‌گیرد و بزرگ‌ترین منطقه خشک استپی در جهان است. علفزارها و شنزارهای گسترده شاخصه این دشت هستند.

رودها و دریاچه‌های مهم قزاقستان عبارتند از دریاچه آرال ، رود ایلی ، رود ایرتیش ، رود ایشیم ، رود اورال ، سیر دریا ، رود چارین ، دریاچه بالخاش و دریاچه زایسان. دره چارین که ۱۵۰ تا ۳۰۰ متر عمق و ۸۰ کیلومتر درازا دارد فلات سنگی و سرخ‌رنگ را درمی‌نوردد و در راستای رودخانه چارین در شمال تیان شان ادامه می‌یابد. دهانه بیگاج ، دهانه ای برخوردی است که از برخورد یک سیارک در حدود ۵ میلیون سال پیش به‌وجود آمده و ۸ کیلومتر قطر دارد.

آب‌وهوای قزاقستان بری است و تابستان‌های گرم و زمستان‌های سرد دارد. بارندگی در این کشور نسبتاً کم است و اراضی آن در شرایط خشک تا نیمه‌خشک قرار دارند.

شهرهای اصلی قزاقستان عبارتند از آستانه ، آلماتی ، قراغندی ، چیمکند ، آتیراو و اسکمن. شهرهای بزرگ قزاقستان به ترتیب آلماتی با حدود ۱/۵ میلیون نفر، آستانه و قراغندی با حدود ۷۰۰ هزار نفر هستند. به جز شهرهای نامبرده می‌توان به شهرهای آکتاو ، پاولودار ، پتروپاولسک و اوست کامنگورسک نیز اشاره کرد.

سیاست

حکومت قزاقستان دمکراتیک و از نوع جمهوری ریاستی است. رئیس‌جمهور در راس کشور و دولت قرار دارد. قدرت اجرایی دست دولت بوده و قدرت قانونی دست پارلمان می‌باشد.

رهبر زمان کمونیسم قزاقستان یعنی نورسلطان نظر بایف پس از استقلال به ریاست جمهوری قزاقستان رسید و از سال ۱۹۸۹ هم‌چنان در این منصب باقی مانده‌است. نورسلطان نظر بایف در ۴ دسامبر ۲۰۰۵ میلادی انتخاب شد.

بر پایه قانونی که در سال ۲۰۱۰ میلادی در قزاقستان به تصویب رسید، نخستین رئیس‌جمهور قزاقستان حتی پس از استعفایش از مصونیت کامل قضایی برخوردار است. بر پایه این قانون، نخستین رئیس‌جمهوری قزاقستان را نمی‌شود بازداشت کرد، محبوس کرد یا برای اعمالی که حین ریاست جمهوری خود یا پس از آن دوره انجام داده پاسخگو دانست. این مصونیت طبق قانون همچنین شامل دارایی‌های رئیس‌جمهور نخستین و خانواده او می‌شود.

در سال ۱۳۹۵ خورشیدی رئیس‌جمهوری قزاقستان طی حکمی «کریم ماسیموف» نخست‌وزیر قبلی را به مقام ریاست سازمان اطلاعات این کشور منصوب کرد. وی همچنین «بکیت‌جان ساگینتایف» را که تا آن زمان معاون نخست‌وزیر بود به عنوان نخست‌وزیر به مجلس پیشنهاد داد که با رأی اعتماد نمایندگان مواجه شد.

اما شهر آق‌تپه که در نزدیکی مرز با روسیه واقع است محل نخستین حمله انتحاری در قزاقستان در سال ۲۰۱۱ بود. به گفته مقامات قزاق از این کشور حدود ۳۰۰ نفر به سوریه و عراق رفته و در صف گروه‌های افراطی و به خصوص داعش پیوسته‌اند.

بنا به برنامه اصلاحات ارضی دولت قزاقستان، خارجی‌ها می‌توانند زمین‌های کشاورزی قزاقستان را در قراردادهای ۲۵ ساله اجاره کنند. این برنامه، نگرانی و اعتراضات کشاورزان و زمین‌داران قزاقستانی را در پی داشته که نگرانی آن‌ها این است که سرمایه‌گذاران چینی به این ترتیب زمین‌های آن‌ها را بگیرند.

این اعتراض‌ها در ماه مه ۲۰۱۶ سرکوب شد و شماری نیز بازداشت شدند. اعتراضات خیابانی در قزاقستان نادر است و دولت نورسلطان نظر بایف، که از قبل از فروپاشی شوروی قدرت را در قزاقستان در اختیار دارد، با مخالفان به سختی برخورد می‌کند. آخرین باری که در قزاقستان اعتراضات عمده‌ای برگزار شد در سال ۲۰۱۱ بود

که کارگران صنعت نفت اعتصاب کردند. در آن مقطع پلیس با شلیک به معترضان ۱۴ نفر از آن‌ها را کشت.

جمعیت قزاقستان در سال ۲۰۱۹ میلادی حدود ۱۸ میلیون نفر تخمین زده شده که تراکم پایین جمعیت در این کشور را نشان می‌دهد.

قزاقستان کشوری چندقومیتی است و قزاق‌ها حدود ۶۳ درصد ساکنان آن را تشکیل می‌دهند. ۲۳/۷ درصد مردم این کشور روس و بقیه ازبک، اوکراینی، اویغور، و غیره هستند. دین ۷۰ درصد از مردم اسلام و مذهب بقیه ساکنان مسیحیت است.

ویژگی چندقومیتی قزاقستان در هنر و فرهنگ این کشور بازتاب یافته‌است. فعالیت‌های فرهنگی و هنری قزاقستان را می‌توان در دو دسته گسترده سنتی و غربی دسته‌بندی کرد.

فرهنگ و هنر سنتی که با نوع زندگی ساکنان عمدتاً قزاق و البته کره‌ای‌ها و اویغورها و اقوام کوچکتر این سرزمین مرتبط است؛ همانند شعرها، آهنگ‌ها و رقص‌های فولکلور، موسیقی قزاق که با سازهای سنتی آنان اجرا می‌شود، همچون فرش‌ها و پارچه‌های دست‌بافت و صنایع دستی گوناگون که در طول قرن‌ها در این سرزمین به حیات خود ادامه داده و پیشرفت کرده‌اند. در مجموع شعر، موسیقی و رقص جایگاه خاصی در فرهنگ قزاق داشته و دارند.

گروه غربی شامل انواع هنرهایی می‌گردد که روس‌ها از ابتدای قرن بیستم به منطقه آوردند. مانند تئاتر، موسیقی کلاسیک، باله، اپرا، سینما، تلویزیون و ادبیات روسی می‌گردند.

در نتیجه سیاست‌های حکومت بلشویکی اتحاد شوروی، قزاقستان در دهه‌های گذشته پذیرای جمعیت بزرگی از روس‌ها و اقوام غیر قزاق بوده است، به گونه‌ای که قزاق‌ها در سرزمین خودشان به یک اقلیت بدل شدند.

حضور چنین جمعیت بزرگ و با فرهنگ‌های گوناگون و بسیار متفاوت موجب شکوفایی هنر و فرهنگ غربی در این کشور شده‌است. موفقیت قزاق‌ها و حتی آثار هنری که در

قزاقستان ساخته شده یا به این کشور مربوط است، در جشنواره‌های بین‌المللی از آثار مثبت این تنوع فرهنگی است.

در قزاقستان گروهی از مردم آذربایجانی ایرانی هم وجود دارند که در شهر مرکه در نزدیکی مرز قرقیزستان زندگی می‌کنند. این افراد از آذربایجانی‌های عشایری بودند که در مرز ارس تردد می‌کردند و پس از این که در سال ۱۹۱۸ مرزها بسته شد، در آن سوی مرز گرفتار و محبوس شدند. حکومت شوروی از ترس شورش این افراد، آن‌ها را به قزاقستان کوچاند و تا امروز نیز در آنجا ساکن هستند و به زبان ترکی آذربایجانی صحبت می‌کنند.

نوروز در قزاقستان

مردم قزاقستان نوروز را اعتدال بهاری می‌دانند و بر این باورند که در این روز ستاره‌های آسمانی به نقطه ابتدایی می‌رسند و همه جا تازه می‌شود و روی زمین شادمانی بر قرار می‌شود.

همچنین قزاق‌ها معتقدند که نوروز آغاز سال است و در میان آنان عبارات زیبایی درباره ی نوروز وجود دارد. نوروز روزی است که یک سال منتظرش بوده‌اند، نوروز روزی است که خیر بر زمین فرود آمده و بالاخره نوروز روزی است که سنگ نیلگون سمرقند آب می‌شود.

در شب سال تحویل تا شب قزیر صاحبخانه دو عدد شمع در بالای خانه‌اش روشن می‌کند و خانه‌اش را خانه تکانی کرده و چون مردم قزاق باور بر این دارند که تمیز بودن خانه در آغاز سال نو باعث می‌شود افراد آن خانه دچار بیماری و بدبختی نشوند آنان بر این مسئله ایمان دارند و آن را هر ساله رعایت می‌کنند.

در شب نوروز دختران روستایی قزاق با آخرین گوشت باقی‌مانده از گوشت اسب که سوقیم نام دارد غذایی به نام اویقی آش را همراه با آویز می‌پزند و از جوان‌هایی که دوستشان دارند پذیرایی می‌کنند. آنان نیز در قبال آن به دختران آینه و شانه و عطر هدیه می‌کنند که آن را سلت اتکیتر می‌نامند و به معنی علاقه‌آور می‌باشد.

در عید نوروز جوانان یک اسب سرکش را زین کرده و عروسکی که ساخته دست خودشان است با آویز زنگوله‌ای به گردنش در ساعت سه صبح که ساعتی معین از شب قزیر است رها نموده تا از این طریف مردم را بیدار نمایند. عروسک در حقیقت نمادی از سال نو است که آمدن خود را سوار بر اسب به همه اعلام می‌کند.

نوروز برای قزاق‌ها بسیار مقدس بوده و اگر در این روز باران یا برف ببارد آن را به فال نیک گرفته و معتقدند سال خوبی پیش رو خواهند داشت. در عید نوروز مردم لباس نو و سفید به تن می‌کنند که نشانه شادمانی است. دید و بازدید اقوام در این ایام با زدن شانه‌ها به یکدیگر از آیین و رسوم مردم قزاق در ایام عید نوروز می‌باشد، همچنین پختن غذایی به نام نوروز گوژه (گوژه = آش) که تهیه آن به معنی خداحافظ با زمستان و غذاهای زمستانی است و از هفت نوع ماده غذایی تهیه می‌شود در این ایام جزو آیین و رسوم این سرزمین می‌باشد.

مسابقات معروفی نیز در ایام نوروز در قزاقستان برگزار می‌شود که از مهم‌ترین آنان می‌توان به (قول توزاق) اشاره نمود که بین گروه‌های مرد و زن برگزار می‌شود. اگر برنده زن‌ها باشند قزاق‌ها معتقدند آن سال خوب و پربرکتی است اگر مردها پیروز شوند آن سال نامساعد خواهد بود. از دیگر مسابقات می‌توان به کوکپار برداشتن بز از مکانی مشخص توسط سواران، آودار یسپاق، قیزقوو و آلتی باقان اشاره نمود. در عصر نوروز نیز مسابقه آیتیس آغاز می‌شود که مسابقه شعر و شاعری است.

زبان

زبان قزاقی که زبان مردم قزاق و زبان ملی این کشور است، زبانی است از زیرگروه شرقی زبان‌های ترکی تبار که خود زیر شاخه از زبان‌های آلتایی است. از نزدیکترین زبان‌ها به قزاقی، زبان کشور همسایه قرقیزی است.

زبان روسی با توجه به سابقه تاریخی و حضور گسترده خود همچنان موقعیت زبان رسمی را حفظ کرده است.

زبان اوکراینی ، زبان تاتاری ، قرقیزی ، اویغوری ، ازبکی ، ترکی آذربایجانی ، باشقیری ، فارسی تاجیکی ، زبان آلمانی ، زبان کره ای ، زبان ترکمنی ، زبان ارمنی و زبان مغولی تنها تعدادی از مهم‌ترین زبان‌هایی هستند که بزرگ‌ترین اقلیت‌های قومی این کشور به آن‌ها سخن می‌گویند. بسیاری از اقلیت‌های قومی قزاقستان برای داشتن زبان مشترک به جز روسی ، زبان قزاقی را هم می‌دانند. آموزش زبان انگلیسی به عنوان زبان بین‌المللی در سال‌های اخیر افزایش یافته‌است.

زبان فارسی در قزاقستان

زبان فارسی در قزاقستان از پیشینه‌ای تاریخی برخوردار است ، در دانشگاه‌های این کشور کرسی‌های زبان فارسی ۳۰ سال است که دایر است ، با وجود این در سال‌های اخیر جایگاه زبان فارسی در مجامع علمی این کشور تا اندازه‌ای افول کرده‌است. تاریخ قزاقستان با زبان و ادبیات فارسی گره خورده است و هر پژوهشگری که بخواهد درباره ی تاریخ و ادبیات و جغرافیای تاریخی قزاقستان مطالعه و تحقیق کند، باید با زبان فارسی آشنایی داشته باشد. بسیاری از ضرب‌المثل‌های فارسی در ادبیات قزاقی نیز به کار برده می‌شود. در زبان قزاقی حدود ۳۰۶۸ واژه مشترک است که از زبان فارسی به خصوص از فارسی ورارود به زبان قزاقی اقتباس شده است چون ارتباط مستقیم بوده و هست.

در خیابان‌های قزاقستان بسیار با واژه‌های داروخانه، آش خانه، کوچه، شهر، آبادانی (اودانی) یا بسیار نام‌های قزاقی مواجه هستید که با زبان فارسی مشترک است. نام اسفندیار به صورت آسپندیار و نام رستم و بیژن در میان قزاق‌ها خیلی فراوان است یعنی نه تنها نام‌های عادی ایرانی، بلکه نام‌هایی حماسی است که فارسی‌زبانان به آن‌ها افتخار ملی دارند و در شاهنامه آمده‌است. نام‌هایی که در ترکیبش واژه گل دارد در قزاقستان خیلی فراوان است که دکتر صفر عبدالله استاد زبان و ادبیات فارسی در قزاقستان، ۱۲۵ نام زنانه قزاقی با این ترکیب مانند گل‌بدن، گلنار، گلنار، گلدانه، گل‌بهرام را گردآوری کرده است.

در قزاقستان چند ضرورت مهم برای تدریس زبان فارسی وجود دارد و این نکته را بزرگان قزاق می‌دانند:

۱ - پیش از همه حدود ۹۰-۹۵ درصد منابع دست اولی که درباره ی قزاق‌ها و اقوام آسیای مرکزی در قرون وسطی وجود دارد منابع فارسی است و بدون منابع فارسی از هیچ منبع دیگری نمی‌توانند درباره ی اقوام ترکی و مغولی آسیای مرکزی چیزی پیدا کنند.

۲ - بیشتر حاکمان و خان‌های مغولی و ترکی دبیران و وزیران فارسی‌زبان، یا به قول خودشان یک نفر تاجیک مورخ یا واقعه‌نگار فارسی یا فارسی‌زبان داشته‌اند و همه کتاب‌ها را آن‌ها نوشته‌اند. برای نمونه جامع التواریخ یا تاریخ جهانگشای جوینی و صدها کتاب دیگر به فارسی است.

بنابراین اگر این اقوام بخواهند کشورها و ریشه‌های خود را بیشتر بشناسند، امکان ندارد که بدون فراگرفتن منابع زبان فارسی به جایی برسند. این یک انگیزه بسیار مهمی است که باید این مردم فهم آن را داشته باشند.

۳ - نکته دیگر این که هر قدر روابط ایران با منطقه و قزاقستان بهتر باشد زبان فارسی بهتر آموخته می‌شود. یکی از انگیزه‌هایی که در قزاقستان خیلی زبان چینی یا کره ای می‌آموزند این است که صدها شرکت وجود دارد که برای فعالیت‌های خود نیاز به همکاری دارند که زبانشان را بدانند و از این بابت حقوق خوب هم می‌دهند. همچنین ترکیه را می‌توان نام برد که ترک زبانان کنونی خط را هم از دست دادند و برای مطالعه فرهنگ همان ترک‌ها نیز راهشان بسته است و خط عربی - فارسی را نمی‌دانند و خطشان لاتین است ولی چون شرکت‌های زیاد ترکیه‌ای در قزاقستان فعال هستند و دولت ترکیه حمایت می‌کند دانشجویان به سمت زبان ترکی استانبولی می‌روند.

خط و الفبا

خط و الفبای نوشتاری این کشور اکنون الفبای سریلیک است، اما قرار بر این است که الفبای نوشتاری آن تا سال ۲۰۱۵ به لاتین (الفبای لاتین ترکیه) تغییر یابد.

نور سلطان نظربایف، رئیس‌جمهور قزاقستان، در ماه دسامبر سال ۲۰۱۲ در پیام سالانه خود به مردم قزاقستان گفته بود که ما باید از سال ۲۰۲۵ به‌گذار به الفبای لاتین اقدام کنیم.

این بدان معنا است که از آن زمان ما در همه امور باید از خط لاتین کار بگیریم. یعنی تا سال ۲۰۲۵ ما باید کارگذاری، چاپ نشریات دوری، کتاب‌های درسی و غیره را به خط لاتین انجام دهیم.

رئیس‌جمهور قزاقستان درباره آنچه «منطق تاریخی ژرف» گذار به خط لاتین خوانده، می‌گوید: «این از ویژگی‌های هم محیط فناوری جدید، هم ارتباط در جهان امروز و هم روند علم و آموزش در قرن ۲۱ است.» از نظر آقای نظربایف ظاهراً گذار به خط لاتین دسترسی جوانان قزاق به علم و فناوری امروز جهانی و ارتباط آنان با جهان غرب را آسان‌تر خواهد کرد، هرچند بسیاری در این امر تردید دارند. وی می‌افزاید: در مدارس ما بچه‌ها انگلیسی می‌آموزند. یعنی خط لاتین. این برای جوانان ما دشوار نخواهد بود.

برخی از تحلیلگران آسیای میانه می‌گویند تصمیم رئیس‌جمهور قزاقستان برای گذار به خط لاتین تلاشی برای فاصله گرفتن از روسیه یا «جهان روسی» و نزدیکی بیشتر با کشورهای ترک‌تبار منطقه و به‌ویژه با ترکیه است. اما به اعتقاد قناعت عادل، تحلیلگر ازبک‌تبار مقیم پراگ، این تصمیم «خیال خامی» بیش نیست: زیرا خط سیریلیک قزاقی به 'جهان روسی' ربطی ندارد. در نهایت، مخالفان عمده 'جهان روسی' - اوکراینی‌ها از خط سیریلیک استفاده می‌کنند و به فکر تغییر آن نیستند.

بلغارستان، از اعضای اتحادیه اروپا و ناتو هم از این خط استفاده می‌کند. آقای عادل می‌افزاید: گذار به خط لاتین قزاقی بدان معنا نیست که آن با خط ترکی یا ازبکی مشترک می‌شود. قزاق‌ها باید از تجربه ناموفق گذار زبان ازبکی به خط لاتین سبق (درس) بگیرند.

عبدالقادر رستم: گذار به الفبای لاتین، قزاق‌ها را از تأثیر معنوی و زبانی روس‌ها دورتر می‌کند، و از سوی دیگر روس‌گرایی را که تاکنون در ذهن بخشی از مردم قزاق حکومت می‌کند، کاهش می‌دهد.

اشاره او به تصمیم دولت ازبکستان است که بعد از فروپاشی اتحاد شوروی فرایندگذار از الفبای سیریلیک به خط لاتین را شروع کرد. اما این فرایند سال‌هاست ادامه دارد و به باور بسیاری موفق نبوده‌است؛ هرچند جمهوری آذربایجان و ترکمنستان، دو کشور دیگر ترک‌زبان در این فرایند تاحدی موفق بوده‌اند. زبان‌های ترکمنی و آذری تا حد زیادی به زبان ترکی عثمانی نزدیکند، ولی ازبکی از خانواده دورتر زبان‌های ترکی (چغتایی) است و نزدیک‌ترین زبان به آن زبان اویغوری در چین محسوب می‌شود که خط آن بر ساخته از خط فارسی-عربی است. زبان‌های قزاقی و قرقیزی هم از این دو گروه از خانواده زبان‌های ترکی فاصله زیادی دارند. در ضمن، الفبای لاتین برای زبان قزاقی پدیده تازه‌ای نیست.

در سال ۱۹۲۹ با تصمیم دولت شوروی الفبای واحدی برای زبان‌های ترکی قلمرو شوروی مبتنی بر خط لاتین ایجاد شده بود که بیش از ده سال مورد استفاده بود. اما در سال ۱۹۴۰ مانند زبان‌های دیگر جماهیر آسیای میانه الفبای سیریلیک در زبان قزاقی هم جایگزین لاتین شد.

در مقاله خود، آقای نظربایف از تاریخ الفبا در زبان‌های ترکی، از الفبای رونی در قرن‌های ۶-۷ میلادی گرفته تا الفبای عربی که طی ۹۰۰ سال پس از حمله عرب و گسترش اسلام در قلمرو قزاقستان مورد استفاده بوده نیز یاد آور شده و گفته‌است که تغییر الفبا در زبان قزاقی همیشه «علل سیاسی مشخصی» داشته‌است. رئیس‌جمهور قزاقستان منطق‌گذار به خط لاتین را به دور از انگیزه‌های سیاسی و مرتبط با «فناوری جدید و ارتباطات جهان معاصر» خوانده و آن را برای قزاق‌ها مهم می‌داند. آقای رستم معتقد است که حوادث اوکراین و دخالت روسیه در امور آن کشور در سال‌های اخیر نخبگان سیاسی قزاق را «هوشیارتر» کرده‌است: «گروه‌های ملت‌گرای روس، چه در قزاقستان و چه در روسیه مدعی بودند که ولایات شمالی قزاقستان زمین روسها است و باید به روسیه همراه شود، زیرا میزان جمعیت روس در این مناطق زیاد است. نظربایف برای پیشگیری از این امر دو طرح را اجرا کرد: با دادن امتیازها قزاق‌ها را از کشورهای مختلف، از چین و مغولستان گرفته تا تاجیکستان و افغانستان، به قزاقستان آورد و عمدتاً در مناطق شمالی مستقر کرد.» وی می‌افزاید: «دوم، پایتخت را از آلماتی

به شهر شمالی آق‌مُلا (سلینوگراد زمان شوروی و آستانه کنونی) که اساساً شهر روس‌ها بود، منتقل کرد.

در اصل، به جای این شهر یک شهر کاملاً جدید و معاصر ساخته شد و به این بهانه ده‌ها هزار قزاق را به شمال منتقل کرد. گذار به الفبای لاتین، قزاق‌ها را از تأثیر معنوی و زبانی روس‌ها دورتر می‌کند و از سوی دیگر، روس‌گرایی را تاکنون در ذهن قسمتی از مردم قزاق حکومت می‌کند، کاهش می‌دهد.